

استاد حسین زمرشیدی، متولد ۱۳۱۸ مشهد است. ایشان عضو فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران و عضو پیشکسوتان هنرهای سنتی ایران در رشته‌ی معماری است. همچنین ۱۶ کتاب درسی در رشته‌ی ساختمان تألیف کرده و نگارش مقالات علمی و کتاب‌های فراوان در باب معماری اسلامی از دیگر آثار اوست. وی عضو هیئت علمی «دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی» است. در سال ۱۳۷۳، مدرک درجه‌ی یک هنری گرفت و در سال ۱۳۷۵ در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به درجه‌ی استادیاری رسید. در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره‌ی ماندگار در عرصه‌ی معماری شناخته شد و در سال ۱۳۸۳، از ریاست محترم جمهوری نشان دانش درجه ۳ دریافت

داشت. فیلم‌ها، عکس‌ها و اسلایدهای وی وقف دانشگاه شهید رجایی است.

هنر و اعتقاد تجارتگاه تفکر معماری

رشد آموزش هنر
دوره پنجم شماره دو
زمستان ۱۳۸۶





رشد آموزش هنر
 ۵
 دوره پنجم / شماره دو
 زمستان ۱۳۸۶

هر منطقه داریم. انواع اقلیم های ایران عبارت اند از:

الف) اقلیم معتدل و مرطوب که مخصوص سواحل دریای خزر است. در این اقلیم، به علت رطوبت فراوان و بارندگی، بناها جدا و با رعایت فاصله از یکدیگر ساخته می شود. هم چنین به علت فراوانی چوب، بدنه ی بناها چوبی و یا از نوع مصالح سبک با پوشش های شیب دار تند و از ورق و سفال است که اسکلت اکثر آن ها روی کلاف های ستون و بلندتر از سطح زمین ساخته می شوند.

ب) اقلیم سرد، مخصوص کوهستان های غربی و سرزمین های آن که به علت مرتفع بودن کوه های غربی، دامنه های آن ها همیشه پوشیده از برف و هوای آن به شدت سرد است. بناها را به شکل متراکم و در جوار یکدیگر با دیوارهای ضخیم می سازند و از مصالح مقاوم، پنجره های باز شو و نورگیر، و

می دادم. سپس دیپلم گرفتم و چون شاگرد اول شدم، بورس کشور آلمان را دریافت داشتم. در برلین، در رشته ی تربیت دبیر فنی در رشته ی ساختمان قبول شدم. بعد از بازگشت به ایران ۱۶ جلد کتاب درسی تألیف کردم. در همین زمان نظام سه ساله ی متوسطه برچیده شد و نظام چهار ساله ایجاد گردید. در آن زمان ابلاغ من هنرآموز بود.

● ما معتقدیم که معماری یکی از مهم ترین هنرهاست. اگر معماری را هنر تلقی نکنیم، می شود همین شرایط بساز و بفروش ها. اما خیلی ها معتقدند که معماری مادر همه ی هنرهاست و از معماری است که خیلی از هنرهای دیگر تجلی پیدا می کند. راجع به معماری توضیح بیشتری بفرمایید.

○ ما دو نوع معماری داریم: یکی «معماری سنتی و بومی» است که ما در ادوار متفاوت و در شرایط اقلیمی خاص

● آقای شریف زاده: استاد لطفاً مختصری از کار خودتان و فعالیت هایی که داشتید، خصوصاً برای آموزش و پرورش، بفرمایید.

○ آقای زمرشیدی: متن متولد مشهد هستم. بعد از دوره ی ابتدایی همراه پدرم که بنا و معمار بود، راهی «خواجه ربیع» شدم. به دلیل عشق وافر به شغل پدری و هم چنین توجه پدر و سایر استادان و تلاش خودم، در نوجوانی به استادی ادعا در استان تبدیل شدم. بعد به بنایی رو آوردم و در این رشته نیز خیره شدم. روزها کار می کردم و شب ها درس می خواندم. سال سوم دبیرستان به تهران آمدم و در هنرستان ایران و آلمان که اکنون «هنرستان شهید بهشتی» است. در آزمون استادکاری آموزشی رشته ی ساختمان شرکت کردم که در آن نمره ی ۱۰۰ گرفتم و استخدام شدم. در آن زمان، کارهای عملی رشته ی ساختمان را آموزش



به طور کلی می توان گفت، در شرایط اقلیمی متفاوت، اساس ساختمان ها ریشه در نحوه زیستن مردم آن مناطق دارد و بنیان آن حاصل تجربه ی صدها سال و مواردی بوده که استادانه و هنرمندانه به امانت از پیشینیان به ارث رسیده است.

در مواردی اصول آن ها، ریشه ی شاخه های معماری جهان گردیده است و ما می توانیم با تزییناتی مثل خفته راسته، حصیری، نقش برگردان، سم آهویی، طاق پوش های جناقی و ترکیباتی از این ها، ناماسازی می کنیم. این بناها، با مصالح محلی هم چون خشت، چوب، سنگ و آجر ساخته می شود.

نوع دوم معماری، معماری اسلامی است که بعد از اسلام برای ساخت

جنوب، مصالح مصرفی این خطه، مصالح دارای ظرفیت حرارتی کم مثل چوب و نی است. وجود بادگیرهای بلند و کانال های آجری و خشتی از ویژگی های معماری این منطقه است. (ه) اقلیم نیمه بیابانی معتدل که باید گفت دارای قدمت چند صد ساله است و در مواردی بیش از هزار سال فرهنگ معماری دارد. در مجموع بناهای سنتی این اقلیم، در شکل های متفاوت، بیرونی و اندرونی، انواع جنوبی و شمالی و هم چنین شرقی و غربی، همراه با داشتن زیرزمین و بیوتات سازی دارای وجوهی مشترک هستند. مصالح این بناها اکثراً آجری و پوشش های آن ها چوبی همراه با سقف های کاذب توفان و یا شیروانی سازی بوده است.

مصالح تیره رنگ در نما استفاده می شود. (ج) اقلیم گرم و خشک که مخصوص فلات مرکزی ایران و نواحی مرکزی کشور است و بناهای این منطقه به صورت مجتمع با دیوارهای ضخیم از خشت و گل ساخته می شود. به دلیل وجود موریانه، نوع پوشش آن ها طاق و گنبد است. در این نوع معماری وجود حیاط های بزرگ با حوض آب وسیع و باغچه های عریض و طویل، و نیز وجود گل و گیاه و درختان میوه، به مرطوب شدن هوا کمک می کند. اما در طراحی سنتی این بناها، در حیاط از کوچه و یا خیابان به محلی به نام هشتی باز می شود. (د) اقلیم گرم و مرطوب که مخصوص سواحل جنوب و خلیج فارس است و به علت مجاور بودن اقیانوس با سواحل

مساجد، اماکن متبرکه و مدارس علمیه به کار رفت و کلیه هنرها به خدمت آن درآمد. سازه‌های به کار رفته در معماری اسلامی شامل سه اصل است:

(الف) اصل طراحی که در این اصل، خلاقیت‌های بسیار گسترده در انواع و اشکال گوناگون و متنوع مشاهده می‌شود.

(ب) اصل اساس سازی یا استخوان بندی ساختمان که اصل بسیار با اهمیتی است و موجب عمر طولانی و مقاومت و پایداری آثار معماری ایران در مقابل تمامی مسائل و واکنش‌ها از نظر استاتیک، جوی و به خصوص عوامل طبیعی می‌شود. اصلی که در آن، شیوهی اجرایی و به خصوص مصالح بسیار مرغوب، موجب به وجود آمدن اسکلت سازی‌های بسیار فنی و اصولی از پی سازی، پوشش قوس‌ها، طاق‌ها و گنبد‌ها شده است و با ساختن موارد فراوان دیگر و با جزئیات اجرایی خاص، به طور بسیار اصولی و فنی همراه است.

(ج) اصل نما سازی که رونق گرفته از سرشت پر هنر و با ذوق معماران، بنایان، کاشی‌پزان، کاشی‌کاران، حجاران، درودگران، نقاشان، گچ‌بران و آینه‌کاران و بسیاری دیگر است که از سر خلوص نیت و ارادت خاص به دین مبین اسلام، ارزشمندترین و شگرف‌ترین پدیده‌های هنری را در نما سازی‌های داخلی و خارجی به وجود آورده‌اند. در قرن چهارم و پنجم هجری، برای زیباسازی و نما سازی ساختمان‌ها، از روش تزئینات آجری در برج‌چینی بناها استفاده می‌شد و اتصال و پیوند یک جای نما به بنا، از ویژگی‌های این روش بود. پیوند را در اصطلاح معماری «آمود» می‌نامند. با توجه به این اصل و رعایت اصول و ضوابط پیوند نما سازی به اسکلت بنا، مقاومت نما بیشتر می‌شود.

روش دیگر نما سازی که به طور جداگانه و بعد از استخوان بندی بنا ساخته می‌شود، می‌توان طرح‌ها و نقوش جالب تری به وجود آورد. به طور کلی، بناهای اولیه که بعد از اسلام، یعنی تا قرن سوم و چهارم، ساخته می‌شد، فاقد نما سازی بود. ولی بعد از این زمان، تزئینات آجری و نما سازی برای بناها به سرعت مورد توجه واقع شده است. در این دوران و در قرن چهارم و پنجم بود که نما سازی‌های آجری در انواع حصیری، جناقی و یا خفته راسته به وجود آمد.

از این پس، شکل دادن به بناهای خارجی و پوشش‌های داخل مورد توجه بوده است و به کارگیری این روش را می‌توان در بدنه سازی و پوشش گنبد و مناره‌های آجری، نظیر میل خسرو گرد سبزوار، میل سلجوقی در دامغان و... مشاهده کرد که با انواع نما سازی‌های آجری در اشکال و گونه‌های متفاوت خطوط کوفی آجری و نقوش هندسی در «گره»، همراه با حرکات موزون گل و برگ‌ها، مجموعه‌ای تصاویر هماهنگ و حیرت‌انگیزی به وجود آورده است.

● لطفاً درباره هنرهای وابسته به معماری توضیح بیشتری بدهید.

○ از هنرهای وابسته به معماری می‌توان به کاشی کاری اشاره کرد که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. در آغاز، از این هنر بیشتر با آجرهای لعاب دار برای استحکام بنا و نما سازی استفاده می‌شد، اما پس از اسلام، این هنر شکل دیگری به خود گرفت. گلبوته‌هایی که به شکل قرینه در زمینه طراحی می‌شد و نقوش هندسی که معماران مسلمان ایرانی در این هنر به کار می‌گرفتند، بر زیبایی بناها می‌افزودند. هنر نقش‌گری و خطاطی نیز این هنر را به اوج رساند. علاوه بر آن، شیوه‌های کاشی معرق و کاشی هفت رنگی نیز از تکنیک‌های دیگر کاشی کار است.

هنر معقلی را نیز می‌توان مکمل کارها و تزئینات در انواع نما سازی‌ها و پوشش‌های داخلی و خارجی دانست. خط بنایی همان خط معقلی است که گاهی به آن خط معماری هم می‌گویند و از خط کوفی منشعب شده است. این خط، سه نوع ساده، متوسط و پیچیده دارد که از آن‌ها در نما سازی‌های داخلی به صورت آزاره کتیبه و در زیر دوره‌ها به صورت عرق چین استفاده می‌شود. در نما سازی‌های خارجی نیز انواع این خط در ستون‌ها، پشت بغل‌ها، کتیبه‌های افقی و عمودی، گل دسته‌ها، و در پوشش گنبد‌ها، چه در ساقه‌ی آن‌ها به صورت کتیبه دوردار به شکل خطوط سواد و بیاض، و چه در دور گنبد‌ها تا تیزه‌ی آن‌ها به شکل ترنج‌ها و گل‌ها به صورت اسمای جلاله الله و اتمه‌ی طاهرین و... به کار می‌رود. در کاسه سازی‌ها و رسمی بندی‌ها در زیر طاق‌ها، قوس‌ها، ایوان‌ها و یارواق‌ها، و به طور کلی در بسیاری موارد دیگر نیز از این خط، در طرح‌ها و شکل‌های گوناگون و با استفاده از مصالح متفاوت مثل آجر، کاشی و یا نره کاشی، در رنگ‌های متنوع استفاده شده است.

یکی از پدیده‌های هنری در معماری بی‌همتای ایران، هنر گچ‌بری است. این هنر در قالب نقوش برجسته از گل و گیاه و نیز انواع طرح‌های اسلیمی و بندهای ختایی، به ویژه در قالب خط‌های گوناگون و متنوع تجلی یافت.

آینه کاری که نشانند آینه‌های خرد بر دیوار با نظم و ترتیب خاص است، در کنار هنرهایی چون گچ‌بری، گره چینی و... به کار می‌رود و جلوه‌ای خاص به بنا می‌بخشد.

از دیگر هنرهای وابسته به معماری، حجاری، منبت، درودگری و قلم‌زنی و در تزئینات طاقی نیز، رسمی بندی،

رشد آموزش هنر
دوره پنجم / شماره دو
زمستان ۱۳۸۶



رشد آموزش هنر
دوره پنجم شماره دو
زمستان ۱۳۸۶

کاربندی، یزدی بندی، مقرنس کاری،
اختربندی و هفت اقلیم را می توان نام برد.
● استاد، درباره ی معماری قبل از اسلام
کمی برایمان توضیح دهید.

○ از نمونه های این معماری می توان به
سکونتگاه های خشتی که خشت آن بدون
قالب و با دست، حدوداً به صورت بلوک
تهیه می شده، و سکونتگاه ساخته شده با
اندود کاه گل که با دست بر سطح دیوارها
کشیده می شده و با سقف های تیرپوش
در روش های ساده، مانند بناهای خشتی
تپه «گنج دره»، واقع در ۱۰ کیلومتری
شهرستان «هرسین» در استان کرمانشاه از
هزاره هشتم قبل از میلاد اشاره کرد. و اما
از آثار به جا مانده از هزاره سوم قبل از
میلاد، آثار مجتمع مسکونی های شهر
سوخته در کنار هیرمند رود از استان
سیستان و بلوچستان را داریم که در اثر
زلزله و هم زمان با آتش سوزی وسیع، در
زیر خاک مدفون شده است. به طور
کلی، این بناها یک و در مواردی
دو اسکوپه با شیوه ی اصولی سازی پی و
آزازه سنگی با ملات آهکی برای رفع
رطوبت و سپس دیوارهای خشتی با ملات
ماسه خاکی با رعایت در بند و درهای
ورودی، پوشش ورودی ها و در بندها با
قوس های «چپار مدور» و «هلوجین»
باربر و دست اندازسازی روی قوس ها تا

پای پوشش طاقی سقف و طاق پوش های
«لاپوش اسکنج دار» ساخته شده اند.
وجود راه پله سازی برای ارتباط با طبقه ی
بالا از سطح طبقه ی همکف و
طاقچه سازی ها، از ویژگی این
بناهاست.

آثار معماری دوره ی ایلامی، عموماً
در ناحیه ی جنوب ایران و در خوزستان یافته
شده است. از بقایای این معماری می توان
به قسمت هایی از دیوار بناهای به جای
مانده از آجرهای قرمز رنگ بسیار مقاوم و
بزرگ با پیوند کامل و بدون بند پرشی و با
ملات های آهکی از شهر «دورانتاشی» آن
روزگار باقی مانده است. هم چنین، بنای
بسیار عظیم «زیگورات چغازنبیل» در
هفت تپه، به قدمت ۱۲۵۰ سال قبل از
میلاد یاد کرد که گویای معماری شگرف
زمان بوده است.

از آثار دوره ی مادها، دخمه های
سنگی است که از قطعات سنگ های
بلوک شده و با رعایت قفل و بست در
ابعاد محدود ساخته می شده است.

از آثار معماری دوره ی هخامنشی که
عصر شکوفایی معماری بسیار با فلسفه،
با ابهت و بسیار عظیم و معنوی است،
می توان به کاخ های هفده گانه
تخت جمشید اشاره کرد. این کاخ ها
برفراز صفا ای گسترده بنا شده اند که
ارتباط از سطح محوطه ی خارجی به

کاخ ها، توسط ۱۱۰ پله با ارتفاع های
بسیار متناسب و کم از دو طرف، برقرار
می شود. بدنه ی خارجی کاخ های
سنگی، عموماً دیوارهایی با دربندهای
خرد و کلان از سنگ های عظیم بلوکه
شده و بدون ملات است.

هنر سفالگری در ایران سابقه ی
هشت هزار ساله دارد و در این زمینه،
هنرمندان کاشی گر به ساخت زیباترین
اشیای سفالین و ظروف لعابی با
نقش دهی های بسیار فلسفی دست
یافتند. رنگ های شیرین، گرم، آبی سیر
و مشکی، از رنگ های لعاب این دوره
است. سربازان جاوید، شیرمردان بالدار
و گل های رزت و نیلوفر، از بهترین
شکل های هنر کاشیگری هستند.

اشکانیان، معماری پارسی را که با
معماری هخامنشی کاملاً متفاوت بود،
شالوده ریزی کرد. این معماری با شیوه ای
خاص، بناهایی از معبد و کاخ را توأم
در ترکیب ایوانی با پوشش های قوسی و
طاقی و چوب پوش به وجود آورد و سبب
پیدایش روش جدیدی در زمان خود شد.
این شیوه در دوره های بعد در عصر
ساسانی و حتی بعد از آن در دوران
اسلامی، تکامل یافت.

معماری دوره ی ساسانی

همان طور که گفته شد، معماری
دوره ی ساسانی دنباله ی معماری اشکانی

است و کامل تر. از عظیم ترین و باارزش ترین کاخ‌ها و بناهای دوره ی ساسانی، قصری است با نام ایوان کسری یا طاق کسری. مصالح به کار رفته در این مجموعه، خصوصاً ایوان آن، آجر، سنگ، گچ و ملات مرغوب بوده است. ساسانیان خود را از خاندان هخامنشی می دانستند. در این دوره، طرح آتشدان‌های روباز دوره ی هخامنشی به آتشکده‌های سرپوشیده و گسترده چهار طاقی مبدل شد. آتشکده‌ها عموماً دارای چهار ستون قطور و حدوداً طویل با دو نیش ستون به شکل «واچین» بودند و با سنگ، ملات و گچ، و در برخی موارد با ملات گچ و آب زرد شیره‌ی آهک ساخته می شدند.

● در مورد معماری بعد از اسلام هم توضیح دهید.

○ در دوره ی سلجوقی، کاشی منقوش از گل و برگ و نوع اسلیمی با خط برجسته، به ویژه در دوره ی سلطان سنجر سلجوقی، بسیار متداول بود. در این دوره تحولی در نماسازی آثار ایران پدید آمد.

در دوره ی ایلخانی، نماسازی سردر، گل دسته و گردنه‌ی گنبد‌هایی چون گردونه‌ی سلطانی، به شکل خفته و راسته ساخته شد.

در دوره ی تیموری، تزئین گنبد‌ها با نبوغ معماران و بنایان ایران به تحولی شگرف نایل آمد. روند استفاده از خط بنایی در سایر آثار دوره ی تیموری، از هر

جهت پدیده‌ای بسیار جالب و قابل توجه بوده است.

در دوره ی صفویه، با رشد شاخه‌های هنری در معماری و خوش نویسی، خوش نویسان بزرگ بسیاری وارد مرحله‌ای پر راز و رمز شدند و هنر خط بنایی به تکامل شگرف و بسیار پسندیده‌ای رسید.

در دوره ی قاجاریه، در سر در منازل مسکونی، هنر آفرینی‌هایی از آجرکاری به وجود آمد. در این دوره، بازارها با انواع طاق پوش‌های و... همراه با استفاده از انواع نقوش گلچین در متن، ساخته می شدند.

● اولین سوابق آموزشی شما در هنرستان است. شرایط هنرستان را در سطح آموزش و پرورش چگونه می بینید؟

○ در هنرستان‌ها، ما شش روز درس داشتیم. صبح تا ظهر تئوری و بعد از ظهر کار به صورت عملی انجام می گرفت و هنرجویان در کارگاه کار می کردند.

فارغ التحصیلان در آن زمان مهندس به معنای واقعی بودند، چون تجربه‌ی کار عملی داشتند و در کار خود خیره بودند.

اما کم کم درس به چهار روز در هفته محدود شد و در نهایت دو نصفه روز.

البته در رشته‌ی کار و دانش هنوز تعداد روزهای کارگاهی زیاد است، اما کارهای کارگاهی تکراری و محدود به نمونه سازی و ماکت سازی است. در صورتی که آن زمان، ما در کارگاه‌ها در اندازه‌ها و استانداردهای واقعی با هنرجویان کار می کردیم.

● در واقع بی توجهی به کارهای کارگاهی خیلی به هنرستان‌ها لطمه زده است.

○ بله، لطمه‌های بسیار. برای مثال به جای استفاده از آرمانتور در رنج واقعی در کارگاه‌ها، از آرمانتورهای استفاده می شود که ظریف و نازک است و زود خم می شود.

● به نظر شما، چه کاری برای بهبود وضعیت معماری می توان انجام داد؟

○ من معتقدم که در آموزش و پرورش با برنامه ریزی می شود در هنرستان‌ها هنرجویانی تربیت کرد که تکنسین رشته‌ی خود باشند. در کنار این، وزارت کار می تواند کارگرانی را در زمینه‌های آجرکاری سنتی، مقرنس کاری، کاشی کاری و... تربیت کند. هم چنین، تعدادی از هنرجویان تکنسین که به دانشگاه راه پیدا می کنند، با اندوخته‌ای از تجربه می توانند مهندسین قابل‌ی باشند و در نهایت در کنار هم بودن این مجموعه گروه خبره‌ای را به وجود می آورد.

در پایان باید اضافه کنیم، ایران را امروز به خاطر مسائل سیاسی اش، دیروز به خاطر صادراتی چون پسته، فیروزه، فرش و نفت، اما از دیرباز به خاطر معماری بی همتایش می شناختند؟ تا جایی که بزرگ معماران جهان، همواره در جست و جوی قواعد طرح بناها و اصول ساختاری و خصوصاً نمودهای بسیار زیبا از نماسازی‌های بسیار با فلسفه، شگرف و با اصول ساختاری، خصوصاً نمودهای بسیار با منطق دیدارها بوده‌اند.

● با تشکر از شما.